

## نفی تبعیض بر جنسیت

خواندن اشعار، مقاله‌ها و آفریده‌هایی که تخیلاتِ دورپرواز، تصاویرِ انسانی، سخنانِ بلیغ و پُرمعنی، تعبیرهای نازک و رموزو کنایه‌های پُرمایه و طنزهای گزیده و سوزان و انتقادهای اجتماعی و فکری نیشدار و صایب که در آن‌ها نهفته‌اند، از هر لحاظ موجب خوشی است، موجب خوشی است زیرا مهمترین مسایل جامعه‌ها را به خصوص جامعه افغانستان را بیان میکنند؛ از جمله، مسأله نفی تبعیض بر جنسیت و تحقق برابری را!

شاعران بلندنظر و گرانمایه‌ها، بهارسعید، حمیرا نگهت، راحله یار، لیلا کاپیان، زینت نور، لیلا روشنی، نادیه فضل، انجیلا پگاهی، پروین پژواک، عزیزه عنایت، فریبا آتش، مژگان ساغرشفا، نیلاب سلام، خاتول مهمند، فرشته حضرتی و دیگران در چکامه‌های زیبای خود از جمله: در «دلبرآفرین»، در «عریان»، در «راز آفرینش»، در «سرود آزادی»، در «نازم دل دیوانه را»، در «رنگین کمان صبح»، در «گل خیال»، در «اوج» در «باران»، در «بهار»، در «آفتاب آرزو»، در «عروس صبح بهار»، در «بازیچه‌ها دستان»، در «نامه»، در «توهین به چیستی از راه مطرح نمودن کیستی وی»؛ خواستار برابری زن و مرد هستند. شاعرانِ مرد نیز پارچه‌های زیبایی دارند که از دل و جان خواندنی و زیبایند.

چون هدف این نوشته کمک به آگاهی‌های ما در مورد نفی تبعیض بر جنسیت و چگونه گی مسأله برابری زن و مرد میباشد، بناً به آن میپردازیم.

بدون تردید اگر این گفتنیها را در سالهای دورتر از امروز در داخل وطن میگفتند برخلاف باورهای افراطی اخلاقی و مذهبی، به سهولت توسط توده مردم جذب میشد و نتیجه برداشت ذهنی جامعه از تفاوت میان زنان و مردان، به صورت قابل قبولی درمی آمد. ولی با دریغ که ناگزیر سرنوشت ما و جوامعی مثل ما در آن طرف دنیا طوری رقم خورده است، که همیشه بین {بد و بدتر} در گردش باشیم و در روند و گردش چنین حلقهء معیوبی همیشه فرصتهای کارساز را در بسا زمینه ها از دست بدهیم. در دیروز، به خصوص در کته گوری بحث حاضر صحبت نمیکنیم، چرا که کالبدشناسی نمیتواند جبران درمانی غلطی باشد که نسلی تجربه کرده اند. علاوهً مختصات جامعهء امروز همان نیست که دیروز بود، تا بگوییم شناخت اشتباه و اجتناب از تکرار آن راهکشی تجویز درمانی مفید و مؤثر خواهد بود. جامعهء امروز در همه سطوح دچار استحاله و تغییراتی شده است که به کته گوری که به ما و بحث ما مربوط میشود، یعنی در مقولهء جنسی و تساوی مرد و زن، تحقیقاً یک سیر قهقرایی (*Regression*) میباشد.

برای اثبات آن ضرورت به تجزیه و تحلیل اصولی و سیستماتیک چنین دگرگونی بی نمیباشد، چرا که کفایت تنها فرق میان آزادی زن و مرد در انتخاب لباس شان را که چشمگیرترین عامل تبعیض بین این دو عضو یک جامعه است، مورد انتقاد قرار دهیم.

متأسفانه در جامعه بی که زنان را یونیفورم پوش میکنند، معنایش این است، که گروهی از اعضای آن جامعه را مشمول اطاعت از دستورالعمل و مقررات خاص ساخته اند و این اولین سنگ بنای تفاوت و تبعیض بین حقوق فردی و اجتماعی دو موجودیست که تنها فرق شان در شکل اندامهای شان است. حالا کسانی که میگویند، این دستورالعمل یک دستورالعمل و مقررات اخلاقیست، مسلماً دلیل موجه بی در دست ندارند، زیرا که زیستن در خارج از این شکل و شمایل قراردادی الزاماً دلالت بر بی بند و باری اخلاقی نمیکند و اگر هم بگوییم یک طرزالعمل مذهبیست باز ممکن است از خود پرسیم، وقتی انسان برهنه متولد میشود، پس انتخاب و تهیهء لباس برای تن یک دستاورد زمینی است.

در نتیجه نمیتوان گفت، هرکسی که لباس معینی را در بر ندارد، مرتکب گناه کبیره شده و در جرگهء پرهیزگاران نیست. برداشت ذهنی از پدیدهء جنسیت یا (*Sexual attitudes*) دارای اهمیت بسیار میباشد، که قابل بحث و تحلیل علمی و همه جانبه میباشد.

در یک جامعه هر عضوی دارای یک برداشت مشخصی است که در مجموع برداشت اجتماعی را به نمایش میگذارد، میتوان گفت، برداشت اجتماعی در حقیقت متوسط یا معادل برداشتهای فردی شبیه یا کم و بیش مشابه به هم اند. اما، نکتهء دقیق و ظریف در این تعریف این جاست که وقتی میگوییم برداشت ذهنی از جنسیت به این پدیده زمانی میتوان صفت جنسی اطلاق کرد که در قالب برآیند در انرژی مستقل و جدا از یک دیگر ظاهر شود، یعنی یکی انرژی جنسی در مرد، دیگری انرژی جنسی در زن، تولید انرژی جنسی نیاز به جنس مخالف ندارد، اما تخلیهء این انرژی این نیاز را ایجاب میکند، این نیاز خود به خود زمینه ساز یک برداشت ذهنی نیز میشود که (*Sexual attitudes*) هر فرد نسبت به جنس مخالف است.

کیفیت این برداشت بر حسب میزان آموزش، نوع فراگیریهای تجربی و نظری هر دو از شخصی به شخص دیگر فرق میکند. بدین ترتیب برداشت جامعه از جنسیت یا (*Sex*) آن هم به معنای اعم که حتی دربرگیرندهء روابط مردان و زنان در خارج از مقولهء هم آغوشی نیز میباشد، این جا در حاشیه باید این درد دل را اظهار نمود که متأسفانه هر جا که کلمه های سکس یا سکسوول یا در زبان خود ما «جنسی» را به کار بریم، در ذهن ما شرقیها به خصوص اغلب صحنهء هم آغوشی جنسی مجسم میشود، زیرا یاد گرفته ایم که سکس یک معنای بیشتر ندارد و آن هم آغوشی موقت دو انسان با یک دیگر میباشد؛ در حالی که «سکس» یعنی حالت موجودیت هر انسان، مرد یا در قالب زن، به عبارت دیگر احساس مرد بودن یا زن بودن که به انگیزهء بیداری روانی انسان، یا آگاهی از موجودیت جنس مخالف مخلوط شده باشد.

زمانی که با خود فکر میکنیم شاید یکی از دلایلی که حتی دیروز که بادی شدید از غرب و به قول ظریفی تعداد دیسکوتیک و کاباره های شهر غلغله و مارکوپولو و غیره

دانشینانها در کابل بر تعداد کتابخانه ها پیشی میکرد، مع الوصف آموزش جنسی را نداشتیم و نمیپذیرفتیم، برای این بود که غالباً تصور میکردیم، آگاهی جنسی در خانه و مکتب، آن هم در پشت پرده، یعنی این که به نوجوانان بیاموزیم که چطور در آینده، عمل نزدیکی را انجام دهند. مردم هم تقصیری نداشتند و ندارند چون یاد گرفته اند که سکس یک معنای بیشتر ندارد.

به هر حال، چرا برداشت ذهنی فرد و در نهایت جامعه از پدیدهء سکس دارای اهمیت است، دلیلش این است که میکانیزم چنین برداشتی زن و مرد را در ذهن یک دیگر تداعی نمیکند و در نتیجه بر طبق کیفیت این برداشت، ارزش هر کدام در ذهن دیگری جا می افتد و ثبت میشود. فراموش هم نکنیم که ابتدایی ترین شکل شناخت زن و مرد از یک دیگر و آن انگیزهء غلیان انرژی جنسی خواهی نخواهی الگوی نزدیکی جنسی بوده است و به تدریج و در روند همزیستی با یک دیگر به خصوص در شکل اجتماعی در اطراف این نیاز طبیعی، نیازهای دیگری نیست که به زن احساس و ابراز گردیده است و همیشه از آغاز، در طول هزاره ها و حتی امروز در جامعهء فناتیک، مرد یک پدیدهء غالب و زن یک پدیدهء مغلوب بوده است.

یکی از عمده ترین دلایل برای چنین برداشتی، بدون تردید این بوده است که چون ساختمان تشریحی دستگاه تناسلی زن در فورم «*Receptive*» یا پذیرنده است، بنابراین مردان با داشتن آلت تناسلی «*Projective*» خودشان را موجودی فاعل قلمداد کرده اند که این خود موجب خودبرتربینی در مرد و هم چنین هستهء تبعیض بین مرد و زن در دیگر زمینه های اجتماعی بوده است.

سخن به گزاف نخواهد بود اگر بگوییم بر اساس چنین برداشتی و قضاوتی یک جانبه، زنان نیز پذیرفته بودند که بر سکوی دوم بایستند، در طول قرنها آن تصویری باشند که جنس مرد از آن ها تصویر کرده، بیگمان در تاریخ بشری زنانی گاهگاهی پیدا شده اند که همسنگ بودن کامل با مردان هم عصر خودشان را در همه زمینه ها به اثبات رسانیده اند، با وجود این برای روشن ساختن مشعل برابری زنان با مردان، این نمونه های پراکنده کافی نمیباشند.

به تدریج و با گذشت زمان و عبور از دهلیز تاریک زمان و باورهای قرون وسطایی که زن را بیشتر به انزوا کشانیده است، رنسانسهای فرهنگی و سپس صنعتی در غرب موجب شده تا مسألهء سوادآموزی از شکل فردی و پراکنده، به صورت عمومی و فراگیر برای هردو جنس درآید و مورد توجه قرار گیرد، این خود اساس امتحانی بود که زنان سرفراز از آن بیرون آمدند و اثبات نمودند که زن و مرد دو موجود مساوی و برابر هم اند.

با مرور زمان در طول قرن گذشته زنان در ضمن بهره مند شدن و چانس یافتن به تحصیلات اکادمیک و در نتیجه با آگاهی یافتن بر تشابه جوهر موجودیت خود با مردان، در جریان رویداد جنگهای اول و دوم جهانی آن را یافتند تا قابلیت ممتاز خودشان را در زمینه های اجتماعی به ثبوت برسانند و در نتیجه قوانین در راستای حفظ حقوق فردی و اجتماعی شان را تصویب نمایند، تا نسلهای آینده برابری کامل با مردان را تجربه کنند.

بدون تردید همهء این دستاوردهای مثبت محصول آموزش است که به اعضای جامعه داده اند، آن هم در نمونه یی که هردو جنس را در سالهای طفولیت در بر میگیرد، تا قدم به قدم در مسیر رشد عقلانی و جسمانی شان یک «*Sexual attitudes*» سالم در ذهن هرکدام به وجود آید و در نهایت و در مقیاس وسیع برداشت ذهنی جنسیت جامعه یک دست گردد. به عبارت دیگر هردو جنس در تمام مراحل همزیستی به یک دیگر قبول کنند که دو پدیدهء مکمل یک دیگر اند. بدون تفاوت در سیستم جنسی و ساختار اناتومیک.

اگر به حقوق فردی و موقعیتهای اجتماعی جداگانه اشاره شده، برای این است که برخورداری زنان از بعضی موقعیتهای اجتماعی به ناگزیر نشانهء تساوی حقوق ایشان با مردان نیست، کما این که در جامعهء خودما صادق است، ممکن است بگوییم زنان در جامعه از نظر کسب موقعیتهای اجتماعی با مردان مساوی هستند، اما از نظر حقوق فردی در بسیاری از زمینه ها با مردان همسنگ و برابر نیستند.

به عبارت دیگر هنوز آموزش صحیح و لازم چه دیروز و چه امروز مانع گردیده است که برداشت فردی و اجتماعی از «*Sexual attitudes*» به معنای وسیع کلمه اصلاح شود، طور مثال، آن خانم وکیل پارلمان، در آن جامعه گرچه موفقیتی برابر با همتای مرد خود کسب نموده است، ولی هنوز هم در همان مقام هم محروم از بسیاری حقوق فردیست. حتی در چشم مردان یک محرک جنسی به شمار می‌رود. ناچار باید سر را با چادر و حجاب بپوشاند، مبادا که جمع مردان به راه خطا بروند.

متأسفانه اصلاح این وضع نی یک شبه میسر است و نی عاقلانه است که قبل از آماده سازی ساختار جامعه از هر نظر، دستاورد جامعه دیگر را به آن پیوند بزنیم، این همان کاریست که دیروز شد و دیدیم که به دفع بافت پیوند شده انجامید. حتی اگر فرض کنیم که فردا قوانین به نفع تساوی حق و رفع تبعیض از زنان در جامعه وضع شود، باز این نمیتواند مانع از بروز بازتابی منفی در لایه های معینی از جامعه شود، زیرا نقش هر قانون بازدارنده است، نی آموزنده، به عبارت دیگر وضع و اجرای قانون بدون داشتن آموزش و آگاهی اجتماعی هرگز ضامن به وجود آوردن برداشت سالم و مثبت نیست.

به هر حال، اگر آن روزی فرا رسد که ستارهء اقبال جامعهء افغانستان بدرخشد، آن وقت باید آموزش صحیح آن هم با اولویت برای جوانترینهای جامعه را مقدم بر همه قرار داد- تا نتیجه یی مثبت آن هم در درازمدت به دست آید، شک نیست وسایل ارتباط جمعی از هر نوع، بزرگترین وظیفه را برعهده دارد تا محیطی متناسب برای پیشرفت آگاهی و آموزش به وجود آورد.

عمل درست، حرکت از درون امکانشا به سوی هدف مطلوب است. ما آرمانهای شریفانه و انسانی داریم؛ ولی مطلق کردن مطلوب و آرمان و ندیدن امکانشا مساعد و نامساعد دیوانه گیس؛ به امکانشا نی کم و نی زیاد بها نباید داد، هنوز ارتجاع تاریخی نیرومند است و میتواند ولو به شکل موقت ضربتی شایستهء اخلاقیات ددمنشانهء خود وارد سازد. لذا باید برای ایثار آماده بود، فداکاری افراد به همهء جامعه بال میدهد تا به سوی اوج بیشتری پرواز کنند، صبور و شجاع و بی توقع برای تحقق آرمانهای

انسانی و از جمله آرزوهایی که عمده ترین اقدام آن عبارت اند از: باید تلاش و مبارزه کرد.

برابری کامل حقوق و موقعیت قانونی زن و مرد در خانواده و جامعه، اعمال و کنترل و مدیریت داراییها و امور اقتصادی خانواده، وراثت، انتخاب محل زنده گی و سکونت، کار خانه و مصروفیت وظیفه یی (حرفه یی)، طلاق، سرپرستی کودکان (در صورت جدایی و تقسیم تملک اموال خانواده) ممنوعیت تعدد زوجات، ممنوعیت بد دادن و صیغه، لغو تمامی تعهدات انقیادآور زن به شوهر در شرع و سنن و اخلاقیات ارتجاعی، ممنوعیت برقراری رابطه جنسی توسط شوهر با زن بدون تمایل او ولو بدون اعمال زور، نفی تحمیل کار خانه گی و یا وظایف خاص امور خانه به زن، اعمال مجازات سخت برای هر نوع آزار، ارباب سلب آزادی، تحقیر و خشونت علیه زن و مرد، دختر و پسر در خانواده، برابری کامل مرد و زن در ساحت اقتصادی و مشغولیت حرفه یی، تأمین یک سان قوانین کار و بیمه های اجتماعی برای مرد و زن بدون هیچ گونه تبعیض، مزد برابر در ازای کار مشابه برای زنان و مردان، ورود و سهمگیری زنان به وظایف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و هنری که فعالیت زنان را در خارج خانه تسهیل میکند.

لغو کلیه قوانین و سنن دست و پاگیر و عقبمانده اخلاقی و ناموسی که مانع استقلال و اراده مستقل زن و مرد و شخصیت شان به حیث شهروندان متساوی الحقوق در جامعه است، لغو هر نوع محدودیت بر حق سفر و نقل مکان زنان، اعم از مجرد و متأهل در داخل و خارج از کشور به میل و اراده خود آن ها، ممنوعیت هرگونه جداسازی زنان و مردان در مؤسسه ها و مجامع و اجتماعات، معابر و وسایل نقلیه عمومی و مراکز آموزشی و ورزشی مختلط در تمامی سطوح، ممنوعیت عناوین نظیر، دوشیزه، محترمه، بیگم، همشیره، خواهر یا هر لقبی که زن را به اعتبار موقعیتش در قبال مرد تعریف میکنند، در مکالمه های رسمی توسط مقامها و نهادها و ادارات دولتی و خصوصی، ممنوعیت هر نوع دخالت هر مرجعی اعم از بسته گان و اطرافیان و مراجع و مواضع رسمی و قضایی و مذهبی در زنده گی خصوصی و روابط شخصی و عاطفی و جنسی زنان و مردان، ممنوعیت هر نوع برخورد تحقیرآمیز، مردسالارانه، پدرسالارانه

و نابرابر در ادارات و مؤسسه های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی. ممنوعیت قید جنسیت در اعلانات شغلی، حذف تمامی اشارات تبعیض آمیز و تحقیرآمیز نسبت به زنان از کتب و منابع درسی و متقابلاً گنجاندن مواد درسی لازم برای تفهیم برابری زن و مرد در جامعه، تأمین حق هر زوج بالای هژده سال به زنده گی مشترک به میل و انتخاب خود، ممنوعیت هر نوع اجبار و زور از جانب هر فرد و مرجعی بر افراد در امر انتخاب همسر، زنده گی مشترک و جدایی و طلاق و برای رسمیت یافتن زنده گی مشترک از نظر دولت و قوانین و خانواده در صورت تمایل طرفین ثبت آن در دفاتر دولتی کفایست، رفع هر نوع رنگ مذهبی در مراسم رسمی ثبت ازدواج، ممنوعیت ایراد هر نوع خطبهء مذهبی در مراسم رسمی ثبت ازدواج، اجرا یا عدم اجرای مراسم خاصی اعم از شرعی و عرفی برای ازدواج تأثیری و اهمیتی در رسمیت و مقام آن در برابر قانون ندارد، ممنوعیت هر نوع معامله گری در ازدواج، از قبیل: تعیین شیربها، جیزیه و مهر و غیره به عنوان شروط ازدواج، ممنوعیت و لغو تمامی قوانین و مقررات عقبمانده و ارتجاعی که به رابطه زن و مرد جز همسر خویش به عنوان جرم برخورد میکنند.

[www.ayenda.org](http://www.ayenda.org)